

## گفت‌وگو با سردار محمدرضا نقدی پیرامون رابطه ثروت و ساده‌زیستی در بیانیه گام دوم انقلاب

در بخشی از بیانیه گام دوم انقلاب آمده است: «در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز است،اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه خواری و مدارا یا فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، به شدت ممنوع است. همچنین غفلت از قشرهای نیازمند حمایت، به هیچ‌رو مورد قبول نیست. این سخنان در قالب سیاست‌ها و قوانین، بارها تکرار شده است ولی برای اجرای شایسته آن چشم‌امید به شما جوان‌هاست.» این جملات در عین آنکه مؤید نگاه جمهوری اسلامی به تولید ثروت در جامعه است سوآلی را نیز به ذهن می‌رساند که چطور تولید ثروت با ساده‌زیستی و سبک زندگی ایرانی – اسلامی



به عنوان نخستین سؤال اجازه دهید بپرسم

به نظر شما چه شد که کار برخی در جمهوری اسلامی که به قول آنچه در بیانیه گام دوم آمده است روزی مدیران و مسئولان‌ش مسابقه زهد انقلابی و ساده‌زیستی می‌دادند در اینجا رسیده است که اگر مسئولی با دوچرخه سر کار می‌رود یا امام جمعه‌ای در نانوایی و میوه‌فروشی دیده می‌شود تعجب همه برانگیخته می‌شود؟!

اول اینکه دوره انقلاب و جنگ دوره خاص و ویژه‌ای بود که همه در تنگنا و فشار قرار داشتند و طبیعت اینچنین شرایطی اقتضا می‌کند زندگی‌ها ساده باشد. شرایط انقلاب هم خاص و فضا در آن زمان به شدت عدالت‌خواهانه و معنوی بود. هر کس اگر چیزی از تجمل در زندگی‌اش بروز می‌کرد از سوی افکار عمومی ترد می‌شد. اگر اندک تجملی در زندگی مسئولی پیدا و بخش می‌شد آن مسئول باید در توجه و خیابان جواب مردم را می‌داد. بعد از جنگ طبیعتاً فرصت تجارت و ساخت و ساز و درآمدزایی به وجود آمد و ثروت در دست و پال مردم پدید آمد؛ بالطبع با تولید ثروت شرایط خاص حاکم بر ابتدای انقلاب کم‌رنگ شد. این نه فقط در میان مسئولان بلکه در میان مردم هم همین‌طور بود و حساسیت افکار عمومی به آن جنبه‌های عدالت‌خواهانه تغییر کرد. منتها آن چیزی که بیشتر از همه به این فضا دامن زد، فرهنگی بود که لیبرال‌ها در این کشور رواج دادند و به افکار عمومی القا کردند. البته نمی‌خواهم بگویم خبیثت کردند، نه آنها تصورشان این بود که پیشرفت کشور در گرو این است که مردم برای کسب ثروت و مصرف بیشتر مسابقه بگذارند. تصور می‌کردند این کار موجب پیشرفت می‌شود، در حالی که امام خمینی(ره) در پیامشان برای بازسازی فرمودند در بازسازی انظوری وارد شوئید که در جنگ وارد شدید. یعنی همانطور که شب عملیات زبارت عاشورا می‌خوانید، حالا برای کلنگ‌زنی سد هم آن قبیل توسلات را داشته باشید، نه اینکه بروید چند ده میلیون برای مراسم کلنگ‌زنی خرج کنید که حالا مثلاً آقای رئیس می‌خواهد بیاید کلنگ بزند. صورتات و تفکرات غلط مدیریتی و الهام گرفتن از الگوهای مدیریتی غربی نتیجه کار را به اینجا کشاند که شما اشاره کردید.

**دقیقاً منظور تان از مدل‌های غربی و آن فرهنگ لیبرالی چیست؟**

منظور الگوی توسعه‌م‌پذیران دولت‌سازدگی است که همان الگوی توسعه‌غربی بود. این مدل توسعه با مصرف‌گرایی عجین است. درآمد‌های حاصل از اوج گرفتن تجارت بعد از جنگ باید با مدیریت صحیح از بالا به سمت مردم سوق داده می‌شد و درآمد‌ها برای گسترش عدالت، رسیدگی به مستضعفان و خیرات هزینه می‌گردید. منتها مسئولان هم در عمل و هم در رفتار به این مسئله دامن زدند و الگوهای زشتی را پدید آوردند. زشت‌ترین الگویی که وارد جامعه شد مدل مدیریتی شهرداری تهران بود که به شدت آلوده بود و اشرافیت را ترویج و رشد داد. اگر خوشبینانه نگاه کنیم صورتات اینها از پیشرفت غلط بود.

آیا می‌توان به نوعی فرمایش مقام معظم رهبری ذیل بخش «عدالت و مبارزه با فساد» در بیانیه گام دوم را که فرموده‌اند: «طهارت اقتصادی شرط مشروعیت همه مقامات حکومت جمهوری اسلامی است» به صورت ساختاری در قانون در آورد تا اصلاً اشراف و مفسدان امکان حضور در ساختار‌ها را نداشته باشند؟

ایرادی که کار ما داشته این است که فرمایشات رهبر انقلاب را چه در دوره حضرت آقا و چه در دوره حضرت امام(ره) تبدیل به قانون نکرده‌ایم. مثلاً چرا این فرمایش امام(ره) را که مسئولان ما باید از طبقه متوسط و مادن متوسط باشند، تبدیل به قانون نشده است؟ قطعاً اگر این در همان زمان که بیان شده بود تبدیل به قانون می‌شد به مصیبت امروز دچار نمی‌شدیم. در قانون باید برای ثروت

رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و حتی اعضای شورای شهر حد تعیین کنند تا گام دوم انقلاب از مسئولان اشرافی پاک باشد. الان در همین انتخابات مجلس که پیش‌رو داریم واقعاً باید قانونی باشد که اگر فردی ثروتش از فلان مقدار بیشتر بود نتواند کاندیدا شود. اگر این اتفاق نیفتد مجلس به خانه ثروتمندان تبدیل می‌شود و پولدارها با ثروت خودشان و پولی که برای تبلیغات خرج می‌کنند، رأی می‌آورند و در صدر قانونگذاری برای جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند. چنین آدمی می‌تواند نمایندگی عموم مردم را بر عهده گیرد؟ چنین کسی اصلاً درد عموم مردم را می‌فهمد که بخواهد برای عموم مردم نمایندگی کند؟! جمهوری اسلامی همانطور که در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است با تولید ثروت مخالف نیست؛ هر قدر می‌خواهند ثروت تولید کنند اما این با مسئولیت در تضاد است. کسی که می‌آید مسئولیت قبول کند باید اولاًمردم ضعیف جامعه را فهم کند و ثانیاً چاه خودش را پر کرده باشد تا بتواند درباره چاه دیگران فتوا دهد و گرنه مسئولی که مثلاً زمین‌دار است، طبیعتاً وقتی قیمت زمین بالا برود خوشحال می‌شود چون ثروتش زیاد شده است. آن مسئول میلیاردر اصلاً به این فکر نمی‌کند که شمای جوان چطور می‌خواهی زندگی کنی؟ خوشحال است که قیمت زمین بالا رفته و او ثروتش زیاد شده است. به‌ویژه اینکه مسئولان از همه ساده‌زیست و با تقوایی نباشد مثلاً تا متوجه شود قرار است هفته بعد قیمت فلان مواد اولیه گران شود، سریع می‌رود مواد اولیه را برای کارخانه خودش می‌خرد تا از بقیه جلو بیفتد و انبارش را از مواد اولیه پر کند. خب این آدم نه دزدی و نه خلاف قانون عمل کرده است، ولی به خاطر رانت اطلاعاتی که دارد جلو می‌افتد.

**حالا اگر چنین مدیر یا مسئولان میلیاردری پیدا شد که در امری تخصص دارند، تکلیف چیست؟ آیا باید به خاطر سبک زندگی**



**گفت‌وگو با سردار محمدرضا نقدی پیرامون رابطه ثروت و ساده‌زیستی در بیانیه گام دوم انقلاب**

# گام دوم انقلاب باید از مسئولان اشرافی پاک باشد

کنار می‌آید و چطور ثروتمندان می‌توانند در اوج ثروت به نیازمندان توجه کنند؟ در همین راستا گفت‌وگویی با سردار محمدرضا نقدی انجام داده‌ایم. ایشان که در زمره مدیرانی است که همیشه تلاش داشته است دامان زندگی خود را از تجمل و اشرافیت پاک نگه دارد معتقد است: «جمهوری اسلامی همانطور که در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است با تولید ثروت مخالف نیست؛ هر قدر می‌خواهند ثروت تولید کنند اما این با مسئولیت در تضاد است. کسی که می‌آید مسئولیت قبول کند باید اولاً مردم ضعیف جامعه را فهم کند و ثانیاً باید چاه خودش را پر کرده باشد تا بتواند درباره چاه دیگران فتوا دهد.» مشروح این گفت‌وگو در ادامه از نظر می‌گذرد.

محمد صادق عبداللهی



در همین انتخابات مجلس که پیش‌رو داریم واقعاً باید قانونی باشد که اگر فردی ثروتش از فلان مقدار بیشتر بود نتواند کاندیدا شود. اگر این اتفاق نیفتد مجلس به خانه ثروتمندان تبدیل می‌شود و پولدارها با ثروت خودشان و پولی که برای تبلیغات خرج می‌کنند، رأی می‌آورند و در صدر قانونگذاری برای جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند. چنین آدمی می‌تواند نمایندگی عموم مردم را بر عهده گیرد؟

نمایندگی عموم مردم را بر عهده گیرد؟

نمایندگی عموم مردم را بر عهده گیرد؟

نمایندگی عموم مردم را بر عهده گیرد؟

نمایندگی عموم مردم را بر عهده گیرد؟

رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و حتی اعضای شورای شهر حد تعیین کنند تا گام دوم انقلاب از مسئولان اشرافی پاک باشد. الان در همین انتخابات مجلس که پیش‌رو داریم واقعاً باید قانونی باشد که اگر فردی ثروتش از فلان مقدار بیشتر بود نتواند کاندیدا شود. اگر این اتفاق نیفتد مجلس به خانه ثروتمندان تبدیل می‌شود و پولدارها با ثروت خودشان و پولی که برای تبلیغات خرج می‌کنند، رأی می‌آورند و در صدر قانونگذاری برای جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند. چنین آدمی می‌تواند نمایندگی عموم مردم را بر عهده گیرد؟ چنین کسی اصلاً درد عموم مردم را می‌فهمد که بخواهد برای عموم مردم نمایندگی کند؟! جمهوری اسلامی همانطور که در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است با تولید ثروت مخالف نیست؛ هر قدر می‌خواهند ثروت تولید کنند اما این با مسئولیت در تضاد است. کسی که می‌آید مسئولیت قبول کند باید اولاًمردم ضعیف جامعه را فهم کند و ثانیاً چاه خودش را پر کرده باشد تا بتواند درباره چاه دیگران فتوا دهد و گرنه مسئولی که مثلاً زمین‌دار است، طبیعتاً وقتی قیمت زمین بالا برود خوشحال می‌شود چون ثروتش زیاد شده است. آن مسئول میلیاردر اصلاً به این فکر نمی‌کند که شمای جوان چطور می‌خواهی زندگی کنی؟ خوشحال است که قیمت زمین بالا رفته و او ثروتش زیاد شده است. به‌ویژه اینکه مسئولان از همه ساده‌زیست و با تقوایی نباشد مثلاً تا متوجه شود قرار است هفته بعد قیمت فلان مواد اولیه گران شود، سریع می‌رود مواد اولیه را برای کارخانه خودش می‌خرد تا از بقیه جلو بیفتد و انبارش را از مواد اولیه پر کند. خب این آدم نه دزدی و نه خلاف قانون عمل کرده است، ولی به خاطر رانت اطلاعاتی که دارد جلو می‌افتد.

حالا اگر چنین مدیر یا مسئولان میلیاردری پیدا شد که در امری تخصص دارند، تکلیف چیست؟

حالا اگر چنین مدیر یا مسئولان میلیاردری پیدا شد که در امری تخصص دارند، تکلیف چیست؟

حالا اگر چنین مدیر یا مسئولان میلیاردری پیدا شد که در امری تخصص دارند، تکلیف چیست؟

رئیس‌جمهور، نمایندگان مجلس و حتی اعضای شورای شهر حد تعیین کنند تا گام دوم انقلاب از مسئولان اشرافی پاک باشد. الان در همین انتخابات مجلس که پیش‌رو داریم واقعاً باید قانونی باشد که اگر فردی ثروتش از فلان مقدار بیشتر بود نتواند کاندیدا شود. اگر این اتفاق نیفتد مجلس به خانه ثروتمندان تبدیل می‌شود و پولدارها با ثروت خودشان و پولی که برای تبلیغات خرج می‌کنند، رأی می‌آورند و در صدر قانونگذاری برای جمهوری اسلامی قرار می‌گیرند. چنین آدمی می‌تواند نمایندگی عموم مردم را بر عهده گیرد؟ چنین کسی اصلاً درد عموم مردم را می‌فهمد که بخواهد برای عموم مردم نمایندگی کند؟! جمهوری اسلامی همانطور که در بیانیه گام دوم انقلاب آمده است با تولید ثروت مخالف نیست؛ هر قدر می‌خواهند ثروت تولید کنند اما این با مسئولیت در تضاد است. کسی که می‌آید مسئولیت قبول کند باید اولاًمردم ضعیف جامعه را فهم کند و ثانیاً چاه خودش را پر کرده باشد تا بتواند درباره چاه دیگران فتوا دهد و گرنه مسئولی که مثلاً زمین‌دار است، طبیعتاً وقتی قیمت زمین بالا برود خوشحال می‌شود چون ثروتش زیاد شده است. آن مسئول میلیاردر اصلاً به این فکر نمی‌کند که شمای جوان چطور می‌خواهی زندگی کنی؟ خوشحال است که قیمت زمین بالا رفته و او ثروتش زیاد شده است. به‌ویژه اینکه مسئولان از همه ساده‌زیست و با تقوایی نباشد مثلاً تا متوجه شود قرار است هفته بعد قیمت فلان مواد اولیه گران شود، سریع می‌رود مواد اولیه را برای کارخانه خودش می‌خرد تا از بقیه جلو بیفتد و انبارش را از مواد اولیه پر کند. خب این آدم نه دزدی و نه خلاف قانون عمل کرده است، ولی به خاطر رانت اطلاعاتی که دارد جلو می‌افتد.

**حالا اگر چنین مدیر یا مسئولان میلیاردری پیدا شد که در امری تخصص دارند، تکلیف چیست؟ آیا باید به خاطر سبک زندگی**

حالا اگر چنین مدیر یا مسئولان میلیاردری پیدا شد که در امری تخصص دارند، تکلیف چیست؟

این موارد را برای مردم عادی نباید آنقدر سخت گرفت، چون زندگی مردم مشکل می‌شود. من به شخصه اعتقاد دارم آدم در زندگی شخصی‌اش وقتی چیزی را می‌خرد باید آرامش داشته باشد. زندگی ما، پوشش ما، موبایل و ماشین ما باید طوری باشد که مثلاً وقتی پشت چراغ قرمز می‌ایستیم و آن دختر کوچولوی کودک کار جلو می‌آید و در سرما و گرما لابه‌لای ماشین‌ها می‌دود و به حالت التماس می‌گوید این مثلاً جوراب را یا گل را بخر؛ وجدانمان آرام باشد. البته من صددردصدهمین ماشین صد میلیون‌ه که شما می‌گویید متعارف جامعه است. در حال حاضر کم‌ماشین‌ها خیلی گران شده است فرق کنید طرف پسرش ماشین هم نداشته و برای اولین بار خواسته است ماشین بخرد. من آنجایی را نفی می‌کنم که از حد بیرون می‌زند. داشتن یک ماشین معمولی ساخت داخل غیر تجملاتی، متعارف جامعه امروز است. حالا پدری اگر برای

پسرش خرید نباید ایراد گرفت. طرف پول حلال درآورده است خب در حد متعارف زمان هم خرج می‌کند. در ساده‌زیستی عرف جامعه خیلی مهم است. حضرت علی(ع) یک نوع لباس می‌پوشیدند و حضرت امام صادق(ع) لباس بهتری داشتند. اگر امام صادق(ع) می‌خواستند همان لباس حضرت امیر را بپوشند انگشت نما می‌شدند و موجب تمسخر می‌شد. در نتیجه من اشکالی نمی‌بینم کسی که در مقام مسئولیت نیست، اینطوری باشد اما در مقام مسئولیت تفاوت دارد. وقتی کسی در جمهوری اسلامی مسئولیت پذیرفت باید خیلی چیزها را رعایت کند. زندگی یک مسئول در جمهوری اسلامی باید به‌گونه‌ای باشد که وقتی مردم زندگی‌اش را می‌بینند، احساس آرامش کنند.

**با این منطق می‌توانیم بگوئیم افرادی که مثلاً در فلان منطقه شمالی تهران زندگی می‌کنند هم ساده‌زیست هستند!**

اول اینکه مناطق را دلیل بر ساده‌زیستی نگیرید. آدم‌های بسیاری در همان مناطق هستند که محتاجند. آدم باید بر اساس واقعیت‌ها قضاوت کند. مثلاً خانه پدری ما ابتدا در خیابان وحدت اسلامی (شاپور قدیم) بود. بعدتر ما رفتیم در خیابان شهید مطهری که حالا خیلی گران شده است اما خدا شاهد است آن روزی که ما این منطقه آمدیم، بیابان بود. پدم است از جایی که اتوبوس شرکت واحد پیاده می‌کرد برای اینکه به منزلمان برسیم باید از ته‌ها و خیابان‌های خاکی می‌گذشتیم. کم‌کم اینجا قیمتش بالا رفت. حالا اگر کسی همین ظاهر را قضاوت کند، ممکن است بگوید اینجا چقدر ثروتمند هستند، اما ما زمانی که اینجا را خریدیم، بیابان بود و ارزشی نداشت. خیلی از کسانی هم که در آن مناطق زندگی می‌کنند ممکن است همین‌طوری باشند. اینطور موارد را نباید در مبنای قضاوت زندگی‌ها دانست. همان که گفتم زندگی‌ها باید متعارف باشند نه آنقدر تجملاتی و نه آنقدر مفلسانه که موجب تمسخر و انگشت‌نما شدن شود.

**از عرف جامعه نام بردید، به نظر تان عرف جامعه الان چیست؟**

مثلاً امروز همه خانه‌ها حتی خانه‌های پایین شهر، میل دار‌ند. قدیم تر‌ها خیلی‌ها میل نداشتند و کالای تجملاتی به حساب می‌آمد. عرف که می‌گویم منظور در حد متعارف جامعه است، یعنی وضعیتی که الان عمده مردم دارند.

دیگران در فلان جشنواره خارجی به آنها جایزه بدهند. باید مردم را عادی نشان داد. البته من این را از ضعف داستان‌نویسی و کارگردانی می‌دانم. کارگردان‌ها و نویسنده‌ها به جای اینکه با جذابیت‌های هنری کشش را در متن داستان ایجاد کنند، با این صحنه‌های متفاوت و جذاب نقص کار خود را جبران می‌کنند. اگر کسی هنر داشته باشد باید جذابیت و کشش را در متن داستان ایجاد کند.

**بر خسی مسئولان پیش از رسیدن به مسئولیت آدم پولداری بودند. بعد از پیروزی انقلاب هم به هر طریق به دلیل حضورشان در طول نهضت وارد ساختار سیاسی شدند. آیا درست است که ما در حال حاضر گیر دهیم که مثلاً چرا فلانی ماشین شاسی بلند سوار می‌شود؟**

ببینید بعضی از آقایان، مثل همین مثالی که فرمودید پیش از انقلاب بازاری و میدانی بودند یا از قدیم آدم‌های پولداری بودند. البته من در زندگی شخصی خودم اشکال می‌بینم اینطور زندگی کنیم اما باید دقت کرد آن کسی که در حال حاضر شاسی بلند سوار می‌شود، مسئول نیست و زندگی‌اش از ابتدا و بچگی اینطوری بوده و به واسطه انقلاب و مدیریت به اینجا نرسیده است. با تلاش و زحمت مال حلال به دست آورده است. اما کسی می‌بینی قبل از انقلاب پابرهنه بوده، بعد از انقلاب هم همیشه کارمند بوده است، اهل تجارت هم نبوده ولی حالا که وزیر شده، یکدفعه رفته است قاطی میلیاردها! این آدم که از حقوق کارمندی اینطور پولدار نشده؛ خب معلوم است اتفاقی آن وسط افتاده! بله، حالا من اشکال نمی‌بینم کسی که در مقام مسئولیت نیست اینطوری باشد؛ از نظر شخص خودم که بهتر می‌بینم زندگی ساده باشد اما کسی که مسئول است، باید به نوعی زندگی کند که مردم وقتی زندگی‌اش را می‌بینند آرامش بگیرند. این آقای طباطبایی که سال گذشته از دنیا رفتند، تا آخر عمر در همین محله دولاب زندگی می‌کردند. من در ماه‌های آخر وقتی به ملاقات ایشان رفتم و دیدم که به خاطر شرایط تنفسی و مشکلاتی که به دلیل این عارضه برایش ایجاد شده بود دستگاه اکسیژن کنار تختش بود و با وجود اکسیژن به سختی نفس می‌کشید به ایشان گفتم حاج آقا شما با این وضعیت چرا در دولاب زندگی می‌کنید؟ برای بهبود سلامت خودتان شمال شهر بروید. ایشان با آن حالشان فرمودند مردم



بدبین می‌شوند! بگذارید باقی عمر را هم طوری زندگی کنیم که مردم به روحانیت بدبین نشوند! ببینید اینکه آدم‌هایی هم در کشور داریم که متأسفانه تبلیغات نمی‌گذارند آنها دیده شوند.

**اینطور آدمی که فرمودید قبل از انقلاب پولدار بوده است، حالا اگر به مسئولیت برسد باید پول حلالش را چه کار کند؟** اتفاق کند. این همه آدم نیازمند در جامعه وجود دارد. برزنده نیست مسئول نظام جمهوری اسلامی در زمان مسئولیتش ثروت جمع کند که اسلحه با تبلیغات زندگی کند!

**بهترین الگویی که برای این نوع زندگی سراغ دارید چیست؟**

حضرت آقا. به نظر من اگر همه بسجی‌ها جمع شوند و منزلت ایشان را ببینند، آن ساده‌زیست‌ترین‌شان هم تعجب می‌کند!

**خاطره‌ای از ایشان در ذهن دارید؟**

ابتدای دوره زعامت مقام معظم رهبری، قرار بود ایشان به دلایل امنیتی خانه‌شان را جابه‌جا کنند. وسایل خانه ایشان را آورده و گذاشته بودند سر کوچه تا به داخل منتقل کنند. آقای رفیق دوست که وسایل را دیده بود، پرسیده بود اینها مال کیست؟ گفته بودند برای آقای خامنه‌ای است. گفته بود این گاز قراضه چیست؟ بردارید ببیند ازید زباله‌دانی! ابعد برای آقای گاز خوب خریده و آورده بود. حضرت آقا که شب گاز را دیده بودند، پرسیده بودند پس گاز خودمان چه شد؟ ماجرا را تعریف کرده بودند. ایشان ناراحت شده و گفته بودند بیخود بروید همان را بیاورید و واقعاً پیگیری کردند تا همان گاز را از سر کوچه مجدد آوردند. با مثلاً آقای بشارتی تعریف می‌کردند که به آقا گفتند شما هیچ وقت ما را ناهار دعوت نمی‌کنید که ما بیاییم غذای شما را بخوریم؟ آقا فرموده بودند بیا همین الان منزل برویم. آقا رفته بودند داخل خانه و به همسرشان فرموده بودند هر چه هست بیاورید تا با هم بخوریم. آقای بشارتی می‌گفت غذا نمیخکت بود، اما من هر چه این غذا رازبر و رو کردم گوشتی ندیدم!